

کلاهدردار حرفه‌ای که به بیش از ۴۰ سال حبس محکوم شده بود، سرانجام فرارش پایان گرفت و بازداشت شد.

سرهنگ ضرغام آذین، رئیس مرکز عملیات ویژه پلیس آگاهی فراجا دراین باره به جام‌جم گفت: در پی وقوع دوقفره کلاهدرداری از جمله‌فریب‌درازانوج‌با‌جعل‌هویت‌ونیزاخادی‌با‌ترفندثبت‌نام‌خريد‌خودرو،تحقيقات‌کارآگاهان‌مرکز‌عملیات ویژه پلیس آگاهی در این‌باره آغاز شد. در جریان تحقیقات

بازداشت

خواستگار قلابی

خبر روز

خبر روز

راز قتل‌های سریالی قاچاقچی حرفه‌ای موادمخدر با تیزهوشی بازپرس جنایی بروات فاش شد. مرد ۴۷ساله جنایت‌های خود را از سال ۱۳۹۱ و با کشتن دخترعمه‌اش آغاز کرد.

به‌گزارش خبرنگارجام‌جم،یک‌ماقبل‌اعضای‌خانواده‌مرد۵۵ساله‌ای دربروات‌کرمان‌با‌مرجعه‌به‌پلیس‌اعلام‌کردندفرزندشان‌مفقود‌شده‌و ۷۲ساعت‌می‌شود‌که‌به‌خانه‌بازنگشته‌است.بررسی‌های‌پلیس‌نشان می‌داد‌مرد‌ناپدیدشده‌آخرین‌بار‌از‌محل‌کارش‌خارج‌شده‌اما‌دیگر به‌خانه‌بازنگشته‌است.پلیس‌که‌احتمال‌می‌داد‌برای‌مرد‌میانسال اتفاق‌هولناکی‌افتاده‌باشد،تحقیقاتش‌را‌آغاز‌کرد.

بررسی‌کارآگاهان‌پلیس‌نشان‌داد‌مرد‌میانسال‌این‌اواخر‌با‌یکی‌از‌اقوامش‌در‌ارتباط‌بوده‌و‌بیشتر‌ایام‌هفته‌با‌او‌رفت‌و‌آمد‌داشته‌است.با‌شناسایی‌مرد۴۷ساله‌او‌با‌دستور‌بازپرس‌پیرونده‌بازداشت‌و‌تحقیقات‌از‌او‌آغاز‌شد.مرد‌دستگیرشده،منکر‌اطلاع‌از‌مرد‌میانسال شد‌و‌ادعا‌کرد‌من‌کارمند‌سرگرم‌زندگی‌ام‌هستم.مرد‌مفقودشده‌را‌چند‌باری‌دیدم،اما‌هیچ‌خبری‌از‌او‌ندارم.با‌اظهارات‌متهم‌به‌قتل‌درحالی‌که‌هیچ‌سرنخی‌از‌مرد‌ناپدیدشده‌وجود‌نداشت،کارآگاهان‌در‌بررسی‌خانه‌متهم‌موفق‌به‌کشف‌یک‌اسلحه‌گرم‌شدند.بابررسی‌های‌تخصصی‌مشخص‌شد‌به‌تاژی‌از‌این‌اسلحه‌تیر‌شلیک‌شده‌است.با

خبر روز

نظمیه

روایت مرگ یک متهم در بازداشتگاه پلیس



تحقیقات قضایی - پلیسی جزئیات جدیدی از مرگ یک متهم در بازداشتگاه پلیس در پاسگاه ناصریکده لاهیجان را فاش کرد. پنج مامور پلیس در این رابطه بازداشت شده و بازپرس منتظر گزارش پزشکی قانونی در ارتباط با علت مرگ محمد میرموسوی است.

نیروی انتظامی دیروز در اطلاعاتی‌ای درباره مرگ مرحوم میرموسوی در پاسگاه ناصریکده اعلام کرد؛ شنبه یکم شهریور امسال در روستای ناصریکده از توابع شهرستان لاهیجان خبر نزاع و درگیری توسط اهالی محل در سه مرحله و به‌طور مکرر به پاسگاه محلی گزارش می‌شود. در این درگیری افراد یکدیگر را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و براساس اظهارات امداد‌خواهان، منشأ درگیری مرحوم میرموسوی بوده و خودروی متوفی همان‌طور که در تصاویر به‌صورت مستند مشخص است کاملاًتخریب و در آتش می‌سوزد.

در ادامه این اطلاعیه آمده است؛ این موضوع باعث رعب و وحشت اهالی محل شده و پلیس همه عاملان حادثه از جمله مرحوم میرموسوی را بنابر وظیفه ذاتی و قانونی بازداشت می‌کند. متوفی در پاسگاه انتظامی شروع به فحاشی و استنکاف از دستورات عوامل انتظامی و دیگری با مأموران کرده که این روند تا حضور در بازداشتگاه ادامه می‌یابد. متأسفانه به دلیل هیجان ناشی از اصطکاک صورت گرفته میان مرحوم میرموسوی و عوامل انتظامی و عدم کنترل خشم واحساسات از طرف برخی کارکنان و بی‌اعتنائی به وضعیت متهم این اتفاق رخ می‌دهد. پیش از این مرحوم چندین مورد سابقه شرارت و درگیری داشته و در سال ۱۳۹۹ نیز در اجرای حکم جلب، با پلیس درگیر و به ۹ ماه حبس محکوم می‌شود. رئیس بازرسی کل فراجا در موقعیت حاضر و براساس جمع‌بندی گزارشات بازرسان، با دستور سردار رادن، فرمانده پاسگاه عزل و سایر عوامل دخیل معلق از خدمت شدند.

همچنین ابراهیم انصاری، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان لاهیجان درباره آخرین وضعیت پرونده گفت: ضمن انجام اقدامات قضایی نسبت به مشخص شدن علت‌تامه فوت از پزشکی قانونی پیگیری‌های لازم به‌عمل آمده است. در جهت نقض حقوق شهروندی نیز پیگیری‌های لازم از ناحیه عوامل مرتبط انجام شد و متهمان مرتبط با پرونده با صدور قرار بازداشت موقت به زندان معرفی شدند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور هم به این ماجرا واکنش نشان داد. ایشان در پی این حادثه به وزیر کشور دستور داد تا با تشکیل و اعزام کمیته‌ای به لاهیجان همه جوانب حادثه را بررسی و گزارش و نتیجه بررسی را در اسرع وقت به هیات وزیران اعلام کند.

این در حالی بود که اسکندر مومنی، وزیر کشور در پی دستور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور درخصوص بررسی همه جوانب حادثه رخ داده در لاهیجان، هیات تحقیق ویژه‌ای را برای بررسی کامل و همه جانبه تعیین و به محل اعزام کرد.

معلوم شدفردکلاهدردارخودش‌را‌به‌زن‌مالیابخته،دارای‌مدرك‌دكتراى‌باستان‌شناسى، زمین‌شناسی و مقیم بلژیک معرفی کرده که پس از آشنایی به دلیل نبود شناسنامه با صیغه‌نامه ۹۹ ساله ازدواج می‌کنند. در ادامه یکی دیگر از شاکیان پرونده نیز عنوان کرد، متهم با بیان این‌که در یکی از نهادهای نظامی آشناداردومی‌تواند‌بدون‌قرع‌کشی‌ماشین‌ثبت‌نام‌کند؛مبلغ ۲۱۲میلیون‌تومان‌را‌به‌کارت‌همسرش‌واریز‌کردم، با توجه به

بررسی مدارک فرد کلاهدردار دریافتند که این مدارک شناسایی متعلق به فردی دیگری است. پلیس پس از بررسی و استعلام از سامانه‌های تحت‌اختیار و سپس با اقدامات اطلاعاتی محل دقیق متهم را در شهر اصفهان (هنگام کلاهدرداری از شخص دیگری) شناسایی کردند. محل اختفای متهم در یک عملیات غافلگیرانه شناسایی و وی در آنجا بازداشت شد. متهم در مجموع به ۱۱ قفره کلاهدرداری از جمله سه مورد ازدواج با

استفاده از جعل هویت شناسایی، کلاهبرداری با استفاده از کارت‌های بانکی و گوشی دیگران، اخادی از شهروندان با ترغند پیشنهاد خرید خودروهای سهمیه‌ای نهادهای دولتی، اقدام به بازدید از بانک با استفاده از جعل نامه سازمان بازرسی کل کشور، چندین مورد جعل مدارک شناسایی همچنین اقدام به کپی از کارت‌های بانکی به وسیله دستگاه اسکیمز اعتراف کرد که ضمن قرار بازداشت روانه زندان شد.

خبر روز

خبر روز

خبر روز

خبر روز

مالی کشتم و جسدش را در چاه انداختم. در این ۱۳سال دو مرد دیگر هم که از اقوام دورم بودند و می‌خواستند سرم کلاه بگذارند را کشتم و جسد آنها را هم داخل چاه انداختم. نفر اول را یک‌سال بعد از قتل دخترعمه‌ام کشتم و نفر سوم را سال ۱۳۹۷کشتم و جسدشان را بیرون شهر برده و داخل چاه انداخته و رویشان خاک ریختم. بااین‌اعترافات‌بلافاصله‌تلاش‌کارآگاهان‌برای‌یافتن‌جسدسه‌مقتول‌دیگر‌آغاز‌و‌جسد‌دخترعمه‌قاتل‌بعد‌از۱۳سال‌از‌درون‌چاه‌خارج‌شد. با‌توجه‌به‌این‌که‌هنوز‌چنان‌ه‌دو‌مرد‌دیگر‌پیدا‌نشده‌است،تحقیقات‌از‌متهم‌برای‌یافتن‌محل‌رهاکردن‌دو‌جسد‌وسایر‌جرائمش‌ادامه‌دارد.

کشف جسد دو قربانی

معین افشاری، رئیس حوزه قضایی بروات در مورد جزئیات بیشتر جنایت‌های مرد قاچاقچی گفت: با اعلام مفقودی مرد میانسال در مردادماه، پیرونده به قاضی غلامعباس عظیمی ارجاع و تحقیقات آغاز شد. با توجه به مفقودی چند نفر دیگر در بروات دستور تحقیقات به کارآگاهان پلیس آگاهی شرق استان کرمان صادر و سرانجام متهم دستگیر شد و بعد از انکار با مشاهده شواهد به قتل یک زن و سه مرد اعتراف کرد. متهم در پوشش کارمندی کار قاچاق عمده موادمخدر انجام می‌داد و تحقیقات بیشتر از او ادامه دارد.

خبر روز

عدلیه

خبر روز

خبر روز

خبر روز

خبر روز

خبر روز

خبر روز

دختر ۲۰ساله با انگیزه‌ای نامعلوم در خانه‌شان در غرب تهران و در نبود والدینش با روسری مادرش خود را حلق‌آویز کرد و به زندگی‌اش پایان داد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۷ عصر هفتم شهریور امسال پلیس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و اطلاع داد؛ دختر ۲۰ساله‌ای به‌طور‌مشگوک‌ی در خانه‌شان در یکی از محله‌های غرب تهران فوت شده‌است. با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره‌دهم پلیس آگاهی تهران به طبقه سوم ساختمان مورد نظر رفتند و با جسد حلق‌آویز شده‌دختری در اتاق خواب خانه‌روبه‌رو شدند. ساعتی از مرگ او گذشته بود و روسری به دور گردنش گره خورده بود.

ماموران ابتدا به تحقیق از والدین او پرداختند که پدر خانواده در اظهاراتش گفت: دخترم تنها فرزندمان بود. من و همسرم برای خرید از خانه بیرون رفته بودیم و او در خانه تنها بود. عصر که بازگشتیم هر چه در زیم باز نکرد و با کلید در را باز کرده و وارد شدیم. چند مرتبه دخترم را صدا زدیم، اما پاسخی نداد. خانه به هم ریخته بود. وارد اتاق او که شدیم جسد حلق‌آویز شده‌اش را یافتیم. همان موقع به اورژانس و پلیس خبر دادیم که آمدند و گفتند او مرده‌است. در تحقیقات بعدی، ماموران سراغ همسایه‌ها رفتند و به گفت‌وگو با آنها پرداختند و معلوم شد صبح صدای مشاجره دختر با والدینش را شنیدند که آنها نمی‌گذاشتند وی از خانه بیرون برود. بعدازظهر این زوج بیرون رفتند و ساعاتی بعد که بازگشتند با داد و فریاد کمک خواستند که نزدشان رفته‌اند و متوجه مرگ فرزندشان شدند. روز پنجشنبه کارشناسان پزشکی قانونی اعلام نظر کردند که او به قتل نرسیده، بلکه خودکشی کرده‌است.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: نامه و دستنوشته‌ای از او در خانه پیدا نشد تا انگیزه‌اش معلوم شود.

خبر روز

خبر روز

خبر روز

خبر روز

روز حادثه به خانه‌اش رفته بودم که دو مرد جوان به مقابل در آمده و درخواست آب کردند. مهران برایشان آب آورد که وارد خانه شده و با مهران درگیر شدند. یکی از آنها، مهران را با ضربه‌های چاقو مجروح کرد و بعد دو نفری فرار کردند. نمی‌دانم انگیزه‌شان از این کار چه بود.

ماموران که متوجه تناقض‌گویی زن ۲۷ساله شده بودند به تحقیقات از او ادامه دادند تا این‌که لب به اعتراف گشود و گفت: مهران قوادی می‌کرد و خانه‌اش را به خانه قدساند تبدیل کرده بود. او مرا برای ارتباط جنسی در اختیار مردان افغان قرار می‌داد. دو مرد جوان پیش از این هم به خانه مهران آمده و با من ارتباط داشتند. آن روز با مهران هماهنگ کرده و به خانه آمدند. من با پسر ۲۰ساله داخل اتاق رفتم که ناگهان صدای فریاد مهران را شنیدم. وقتی بیرون آمدمیم او با پسر ۲۵ساله دیگری و با ضربه‌های چاقوی او مجروح شده بود. سه نفری آنجا را ترک کردیم و دیگر از دو پسر افغان خبر نداشتم. آنها با مهران در ارتباط بودند و اجازه نمی‌داد شماره مشتری‌ها را داشته باشم.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا و با توجه به شناسایی‌نشدن متهم به قتل و همدستش، فرزندان مقتول درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. پرونده برای رسیدگی به این درخواست به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد تا قضات درباره آن تصمیم‌گیری کنند.



پرونده قتل مردی که دختر ایرانی را در

اختیار مردان افغان قرار می‌داد، به‌دلیل شناسایی‌نشدن قاتلش برای پرداخت دیه از بیت‌المال به دادگاه‌ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از سال ۱۴۰۲ و با گزارش حمله خونین به مرد ۴۷ساله در خانه‌اش در جنوب تهران آغاز شد. تیم پلیسی بعد از حضور در خانه این مرد او را کمک امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل کرده و به تحقیق از همسایه‌ها پرداخت. یکی از آنها گفت: حوالی غروب در خانه بودم که صدای کمک خواهی مرد همسایه به نام مهران را شنیدم. سریع خودم را به خانه‌اش رساندم. گلویش زخمی بود و خونریزی شدیدی داشت. دو مرد و یک زن هم در خانه‌اش بودند که قصد ترک آنجا را داشتند. خواستم مانع قرار آنها شوم که مهران گفت اجازه بده بروند.

تحقیقات از همسایه‌ها ادامه داشت که از بیمارستان خبر رسید مهران به‌خاطر شدت خونریزی جان باخته‌است. پرونده با قتل مهران وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان برای رازگشایی از جنایت، تحقیقات را روی زن جوان و دو مردی که در خانه مقتول حضور داشتند متمرکز کردند. یکی از همسایه‌ها در تحقیقات ادعا کرد زن جوان به نام شادی را می‌شناسد. این زن هرازگاهی به خانه مهران رفت‌وآمد داشت. سرانجام شادی شناسایی و دستگیر شد که در تحقیقات گفت: با مهران آشنا بودم و هرازگاهی به دیدنش می‌رفتم.

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام

فرجام